مطالعات تاریخ اسلام
سال یازدهم/ شمارهٔ ۴۱/ تابستان ۱۳۹۸

بررسی نقش و جایگاه نشان‌ها و مدال‌های عصر قاجار در روابط خارجی و داخلی این دوره

سید مسعود سید بنکدار[۱]
مهناز کمالوند[۲]

چکیده: سنت اعطای نشان و مدال از دوران قاجار به دلیل ارتباط با کشورهای اروپایی آغاز شد و به دور از ارزش معنوی به تدریج شکل تقلیدی به خود گرفت. عدم آگاهی و شناخت دولتمردان قاجار از روند شکل گیری و سیر تاریخی مدال‌ها و نشان‌ها در اروپا و همسان‌پنداری نشان و خلعت در نگاه شرقی دولتمردان قاجاریه و عدم اجرای شایسته‌سالاری باعث تنزل جایگاه نشان‌های این دوره گردید و این امر زمینه‌ساز شکل گیری مدال‌ها و نشان‌های جدید می‌شد. پژوهش حاضر با هدف بررسی جایگاه نشان‌ها و مدال‌ها در روابط خارجی و داخلی عصر قاجار بر آن است تا به این سؤالات پاسخ دهد که روند ابداع و استفاده از مدال‌ها و نشان‌ها در عصر قاجار به چه صورت بوده است؟ و تأثیر جایگاه مدال و نشان در روابط داخلی و خارجی تا چه اندازه است؟ این مقاله با روش تاریخی به تحلیل منابع کتابخانه‌ای موجود، به‌ویژه سفرنامه‌ها پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اعطای مدال و نشان فارغ از قواعد و دستورالعمل‌هایی که براساس شایستگی‌های افراد در اروپا تعریف شده بود، در ایران در قالب رسم اعطای خلعت پذیرفته شد و موجب گردید در هر دوره از ارزش و اعتبار مدال‌ها و نشان‌های ایجاد شده کاسته شود. مضاف بر اینکه اعطای این مدال‌ها و نشان‌ها باعث بروز مشکلاتی در روابط داخلی و خارجی ایران عصر قاجار گردید.

واژه‌های کلیدی: نشان‌ها، مدال‌ها، تمثال، قاجار، روابط داخلی، روابط خارجی

۱ دکتری تاریخ ایران، استادیار گروه تاریخ و ایران شناسی، دانشگاه اصفهان(نویسنده مسئول)
sm.sbonakdar@ltr.ui.ac.ir
۲ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه اصفهان kamalvand.mahnaz@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۲۲ تاریخ تأیید: ۹۷/۰۳/۱۹

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

Investigating the Role and Status of Qajar Era Medals and Badges in the Foreign and Domestic Relationships of this Period

Seyed Masoud Seyed Bonakdar[1]
Mahnaz Kamalvand[2]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

Abstract: The custom of awarding medals and badges began during the Qajar era due to its association with European countries and gradually became an imitatation far from any spiritual value. Lack of awareness and recognition of Qajar officials on the process of formation and historical development of medals and badges in Europe, and identification of badges with *Khalat* in the oriental viewpoint of Qajar authorities as well as lack of meritocracy degraded the status of the badges in this period, which led to the formation of new medals and badges. The purpose of this study is to investigate the status of badges and medals in the foreign and domestic relationships of the Qajar era in order to answer these questions: What was the process of inventing and using the badges and medals in the Qajar era? And what was the impact of the medals and badges on foreign and domestic relationships? This paper has analyzed existing library resources, especially travelogues by a historic approach. The findings of the study show that awarding medals and badges, regardless of the rules and guidelines defined based on the merits of individuals as in Europe, was accepted in Iran in the form of a custom of granting *Khalat*, which degraded the value and validity of the medals and badges in each period. Moreover, awarding these medals and badges caused some problems in Iran's domestic and foreign relationships during Qajar era.

Keywords: Badges, Medals, Qajar, Domestic Relationships, Foreign Relationships

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

1 PhD in History, Assistant Professor of History and Iran department, University of Isfahan (Corresponding Author) masoudbonakdar@yahoo.com
2 MA in Islamic History, University of Isfahan kamalvand.mahnaz@yahoo.com

طرح مسئله

در طول تاریخ به مرور زمان و در عمل با گسترش ارتباطات بین‌المللی در روابط بین دولت‌ها بعضی قواعد تشریفاتی و آداب دیپلماتیک به‌وجود آمد. قواعد این تشریفات یکسان نبود و دولت‌ها برحسب اقتدار سیاسی و نظامی برای خود امتیاز ویژه‌ای قائل بودند؛ به طوری‌که سفیران آنها متوقع احترامات و تشریفات متمایزتری نسبت به سایر سفرا بودند و این انتظارات و توقعات خاص در عمل موجب آشفتگی روابط و گاه منازعات بین دولت‌ها و یا سفرای آنها می‌شد. بدین منظور از جانب سران دولت‌ها اقداماتی در زمینه تدوین و یکسان‌سازی قواعد مربوط به امور دیپلماتیک صورت گرفت که نهایتاً به تنظیم نظامنامه دیپلماتیک در عهدنامه وین ۱۸۱۵م. انجامید. پس از این عهدنامه در کشورهای اروپایی و سپس در سایر کشورها از جمله ایران به‌تدریج رسوم خاصی به شکل نسبتاً واحد برقرار شد. یکی از جنبه‌های مهم در تشریفات بین‌الملل اهمیت اعطای مدال و نشان از جانب دولت‌ها به مقامات و نمایندگان یکدیگر است که در تاریخ روابط بین‌الملل از اهمیت و نقش بسزایی برخوردار بوده است. اگرچه کشورها در ایجاد مدال و نشان‌های خود از نظر ظاهری مختار هستند، ولی تعیین ارزش نشان‌ها و نحوهٔ اعطای آن و تأثیرگذاری این فرایند در عملکرد دولت‌ها دارای قواعد خاص بوده و هست. حال آنکه فرایند ضابطه‌مند ساختن تشریفات اعطای مدال و نشان مانند سایر قواعد تشریفاتی ابتدا از توافقات دولت‌های اروپایی سر برآورد و سپس به سایر کشورها از جمله ایران رسید.

در ایران تجربهٔ آداب تماس با بیگانگان از عهد صفوی در قالب نحوه پذیرایی و مذاکره و تشریفات جلوس یا پاسخ به سفارت‌ها کمابیش روشن بود، اما در ایران پس از عهد صفوی با کمرنگ شدن روابط ایران با دول خارجی این آداب نیز تاحدودی نادیده گرفته شد. شروع نفوذ آداب اروپایی به ایران به اوایل دوره قاجار، یعنی زمانی که ایران عرصه رقابت میان روس و انگلیس گردید، بازمی‌گردد. در این دوره به دلیل ارتباط دیپلماتیک با دول اروپایی و تأسیس سفارتخانه‌ها، همچنین سفرهای فرنگ پادشاهان قاجار، آداب و آیین تشریفات ممالک اروپایی در میان سطوح درباری و طبقات بالای جامعه نفوذ یافت. از جمله این دستاوردها ایجاد مدال و نشان بود که موضوع مورد بحث پژوهش حاضر است. قاجارها در جهت قرارگیری در مسیر هماهنگ با غرب اقدام به ایجاد مدال‌ها و نشان‌هایی کردند که

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

مانند سایر نوآوری‌های قاجار به صورت تقلیدی و غیرکارآمد بود، چرا که به‌رغم ایجاد مدال‌هایی به سبک اروپایی و با ظاهری برگرفته از سنت ایرانی، قوانین و قواعد تشریفاتی که در خصوص آنها تدوین شده بود، به‌طور اصولی در ایران وارد نشد و اعطای این نوع نشان و مدال در عصر قاجار دنباله همان رسم خلعت و خلعت پوشان وابسته به نگاه شرقی بود که اعطای این قبیل مرحمت را وابسته به خواست و سلیقه پادشاه می کرد و پشتوانه معنوی مبتنی بر اصل شایسته‌سالاری و کسب افتخار نداشت. این امر نشان از عملکرد بدون ضابطه و عدم آشنایی دولت قاجار با اصول دیپلماتیک اعطای مدال و نشان دارد. از آن‌جا که آشنایی با پیشینهٔ عملکرد دستگاه تشریفاتی هر کشور در تاریخ دیپلماسی از اهمیت زیادی برخوردار است، بررسی بخشی از این دستگاه یعنی فرایند شکل‌گیری مدال و نشان و عملکرد دولت قاجار در این رابطه مسئلهٔ پژوهش حاضر خواهد بود.

این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی از نوع تاریخی و با استفاده از منابع کتابخانه ای دست اول به‌ویژه سفرنامه‌ها که منعکس‌کنندهٔ دیدگاه غربیان نسبت به مقولهٔ اعطای مدال و نشان در دربار قاجار هستند، به بررسی نقش و جایگاه نشان‌ها و مدال‌های عصر قاجار در روابط خارجی و داخلی این دوره خواهد پرداخت. لذا با توجه به سیر تکامل نشان‌ها و تقدم و تأخر شکل‌گیری مدال‌ها الزاماً به معرفی هر نشان به‌طور اجمالی پرداخته شده است، در ادامه دیدگاه‌های متفاوت نسبت به هر نشان و تأثیرات و تغییرات آن بررسی شده است.

از جمله پژوهش‌های اخیر در موضوع مورد بحث می‌توان به آثاری چند اشاره کرد، نخست مقالهٔ «نشان‌های دوره قاجار»[۱] نوشته یحیی شهیدی که در مجله *بررسی‌های تاریخی* به چاپ رسید. نویسنده در این مقاله از آیین‌نامه‌های سالنامه وزارت امور خارجه و سه نظامنامهٔ نشان شیر و خورشید، نشان علمی و نشان آفتاب در تدوین مقاله بهره گرفته است. این مقاله صرفاً به بازخوانی آیین‌نامه‌های نشان و مدال در عصر قاجار پرداخته و جنبهٔ تحلیلی ندارد.

مقالهٔ «نشان‌ها و مدال‌های ایران از آغاز سلطنت قاجاریه تا امروز»[۲] نوشته محمد مشیری که در سه فصل به بررسی انواع نشان‌ها و ویژگی‌های ظاهری نشان‌ها از زمان آقا محمدخان قاجار تا پایان سلطنت پهلوی پرداخته است. این پژوهش علاوه بر اینکه تنها به معرفی

۱ یحیی شهیدی(۱۳۵۰)، نشان های دوره قاجار، *بررسی های تاریخی*، ش ۳، صص ۱۸۳ـ ۲۴۱.

۲ محمد مشیری(۱۳۵۰)، نشان ها و مدال های ایران از آغاز سلطنت قاجار تا امروز، *بررسی های تاریخی*، س۶، ش ۳۷، صص ۱۸۰ـ۲۲۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

نشان‌ها پرداخته است و به نقش مدال‌ها در روابط داخلی و خارجی اشاره‌ای نداشته است، اطلاعات آن مبتنی بر عکس‌ها و تصاویر است. همچنین تنها شامل مدال‌های عصر قاجار نمی‌شود، بلکه به مدال‌های عصر پهلوی هم اشاره کرده است، بنابراین اطلاعاتی جامع و مانعی در خصوص نشان‌های عصر قاجار ارائه نمی‌دهد.

رساله دکتری تحت عنوان «نقش و اهمیت جواهرات سلطنتی در تحولات سیاسی و اقتصادی ایران با تکیه بر تحلیل دوره صفویه و دوره قاجار» اثر سید مسعود سید بنکدار به راهنمایی حسین میرجعفری و لقمان دهقان نیری در ۱۳۹۱ در دانشگاه اصفهان، به مطالعهٔ اسناد و منابع موجود جهت بررسی تشکیلات اداری جواهرات سلطنتی و مناصب مرتبط با ساخت این مجموعه در عصر صفوی و قاجار پرداخته است و پیرو این اهداف به اهمیت مدال و نشان به عنوان بخشی از این جوهرات اشاره شده است، ولیکن این رساله به صورت متمرکز بر نقش و جایگاه مدال و نشان در عصر قاجار تاکید نداشته است.

مقالهٔ «مدال‌ها و نشان‌های تاریخی»[۱] اثر فاطمه رازی پور که در سال ۱۳۹۴ در مجلهٔ *آستان هنر* به چاپ رسید. در این پژوهش صرفاً به بررسی آیین‌نامه‌های مدال و نشان و توصیف وضعیت ظاهری آنها پرداخته شده و بررسی تأثیرات نشان‌ها در ساختار سیاسی هدف موردنظر پژوهشگر نبوده است.

مقالهٔ «واکاوی خاستگاه و کارکردهای نشان‌های دولتی عصر قاجار»[۲] نوشتهٔ زهرا علیزاده بیرجندی و همکاران که در مجلهٔ *جستارهای تاریخی* سال ۱۳۹۶ به چاپ رسید، از لحاظ موضوعی با پژوهش حاضر قرابت ظاهری دارد، اما وجه تمایز فاحش این اثر در اتکا به فحوا و قواعد مطرح در تنها یکی از کتابچه‌های مدال و نشان بوده است و سایر منابع دست‌اول از قبیل سفرنامه‌ها را مورد مطالعه قرار نداده است. ضمن اینکه هدف آن به‌طورکلی معرفی آمیختگی طرح نشان‌ها با عناصر اسطوره‌ای از لحاظ ظاهری بوده و به اهمیت مدال‌ها و نشان‌ها در روابط سیاسی اشاره نداشته است.

بنابراین هدف پژوهش‌های مذکور معرفی و توصیف نشان‌ها بوده است. لذا روند تاریخی اعطا و اتخاذ نشان را مورد بررسی قرار نداده‌اند و همچنین به جایگاه و اهمیت مدال‌ها و

---

۱ فاطمه رازی پور(۱۳۹۴)، مدال ها و نشان های تاریخی، *آستان هنر*، ش ۱، صص ۷۲تا ۷۹.

۲ زهرا علیزاده بیرجندی و همکاران(۱۳۹۶)، واکاوی خواستگاه و کارکردهای نشان های دولتی در عصر قاجار، *جستارهای تاریخی*، س۸، ش ۱، صص ۷۹ـ ۹۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

نشان‌ها در روابط داخلی و خارجی عصر قاجار نپرداخته‌اند. لذا وجه تمایز پژوهش حاضر از آثار یاد شده، بررسی تأثیر مدال‌ها و نشان‌ها در روابط داخلی و خارجی ایران عصر قاجار، و عوامل ناکارآمدی و بی‌اعتباری این نشان‌ها در این عرصه است.

مقدمه

رسم اعطای پیشکش و در اصطلاح خلعت به اطرافیان از سوی بزرگانی همچون پادشاهان و خلفا از دیرباز وجود داشته است. تعریف خلعت، جامه و جز آن است که بزرگی به کسی بپوشاند و تن‌پوشی که پادشاه و یا امیری به نوکر خود پوشاند.[۱] در دربار هخامنشیان برای هر یک از هدایایی که در قالب خلعت از سوی شاه بخشیده می شد، میزان خاصی از درجه و اعتبار در نظر گرفته شده بود و ارزش و اعتبار معنوی آن خلعت در میزان ارزش مادی آن هدیه نیز لحاظ شده بود. این خلعت‌ها عبارت بودند از اسب با دهنه و لگام زرین، گردنبند، بازوبند و دستبند زرین، دشنه با دستهٔ زرین، ظروف زرین و سیمین و جامه‌های زردوزی شده.[۲] از جمله، طبق گزارش‌های دیگر راجع به اعطای خلعت، در موارد بسیاری با بخشش‌هایی چون انعام و هدیه و جایزه و صله و پیشکش درآمیخته است و برای مثال هدایای پادشاهان به سفیران خارجی یا جامه‌های اعطایی پادشاهان به همتایان خود و یا جامه‌هایی که به‌عنوان مستمری غیرنقدی به کارکنان دیوان‌ها می‌دادند، نیز گاه خلعت به شمار آمده‌اند. سابقه اعطای خلعت به‌صورت نظام‌مند در تشکیلات حکومتی دوره اسلامی به اوایل دوره عباسی می‌رسد. هسته اصلی خلعت، تن‌پوش بوده و ضمایم بعدی آن از قبیل دستار و کمربند و کفش نیز به‌گونه‌ای جزو پوشاک بوده است. بااین‌همه عناصر بسیار دیگری «از پول و گوهرهای قیمتی و عَلَم و طبل تا اسب و فیل و غلام و کنیز» بدان اضافه شده است. اقلام افزوده بر هسته اصلی خلعت، معمولاً از لوازم منصب گیرنده خلعت بوده و به کار وی می‌آمده است.[۳] در زمان صفویه مراسم اعطای خلعت بَا آداب بسیاری انجام می‌گرفت و حیواناتی مانند اسب و شتر و چادرهای بسیار بزرگ با جمیع اثاث البیت،

۱ علی اکبر نفیسی (ناظم الاطبا) (۱۳۵۵)، *فرهنگ نفیسی*، با مقدمه محمدعلی فروغی، ج۳، تهران: کتابفروشی خیام، ص۱۲۳.

۲ والتر هینتس (۱۳۸۷)، *داریوش و ایرانیان*، ترجمهٔ پرویز رجبی، تهران، نشر ماهی، صص۳۸۷-۳۸۸؛ پی یر بریان (۱۳۷۷)، *تاریخ امپراتوری هخامنشیان* (از کوروش تا اسکندر)، ترجمهٔ مهدی سمسار، تهران: زریاب، صص۶۴۵-۶۴۶، ۶۴۹.

۳ فریدون نوزاد (۱۳۷۷)، «خلعت و خلعت‌پوشان»، *فرهنگ گیلان*، س۱، ش۱، ص۴۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

قالی‌های ابریشمی و پشمی، ابریشم خالص، زین و یراق زردوزی شده به همراه یاقوت و مخمل سفید و حتی پول سفید ازجمله هدایایی بود که به‌عنوان خلعت و هدیه اعطا می‌گردید.[۱]

ارزش سیاسی خلعت بسیار بالاتر از ارزش مالی آن بود، به لحاظ اینکه هرکس به گرفتن خلعت از طرف پادشاه ممتاز می‌شد، مورد احترام و ترس زیردستان خود قرار می‌گرفت.[۲] در دوره قاجاریه خلعت علاوه بر تن پوش و جامه شامل طاقه های پارچه و شال و جواهرات مرصع و مدال و نشان‌های نظامی و غیرنظامی دارای حمایل[۳] رنگی گردید.

مدال، سکه مانندی است که به یادگار در واقعه مهمی یا به‌پاس خدمت شخص بزرگی ساخته می‌شود و به‌پاس خدمت کارکنان اداره‌ای یا کسانی که خدمت برجسته‌ای برای کشور یا انجمنی انجام داده‌اند ممکن است مدال داده شود و آن پایین‌تر از نشان است.[۴] به نشانی که بر روی آن تصویر پادشاه نگاشته شده باشد نیز نشان تمثال می‌گویند.[۵]

سابقه مدال در ایران به قبل از اسلام برمی‌گردد. قدیمی‌ترین مدال کشف‌شده مربوط به بهرام سوم ساسانی است که سیمین و بیضی‌شکل است.[۶]

در دوره اسلامی تا قبل از قاجاریه ضرب نشان و مدال‌های افتخار سابقه نداشته است و خلعت و پیشکش شامل آن نمی‌شده است. رسم اعطای مدال و نشان از دوره قاجار به تقلید از اروپاییان مرسوم گردید. به‌غیراز نشان‌ها و مدال‌های آقا محمدخان که به شکل سکه‌های

---

۱ آنتونی شرلی (۱۳۶۲)، *سفرنامه برادران شرلی*، ترجمهٔ آوانس، به کوشش علی دهباشی، تهران: نگاه، صص۶۷ـ۶۸.

۲ سیدمسعود سید بنکدار (۱۳۹۱)، *نقش و اهمیت جواهرات سلطنتی در تحولات سیاسی و اقتصادی ایران با تکیه بر تحلیل دوره صفویه و دوره قاجار*، پایان‌نامه دکتری تاریخ گرایش ایران دوره اسلامی، استادان راهنما حسین میرجعفری و لقمان دهقان نیری، دانشگاه اصفهان، ص۱۲۸.

۳ در تعریف حمایل آورده‌اند که: «پارچهٔ ابریشمی دوال مانندی پهن به رنگ سفید یا سرخ یا سفید و سرخ یا سبز و آبی و جز آن به اعتبار درجات که پادشاه به نوکرهای خود در ازای خدمت می‌دهد و در روز سلام آن را زیب پیکر می‌کنند». (نک: نفیسی، همان، ج۲، ص۱۲۷۹) رسم اعطای حمایل رنگی ظاهراً از کشور روسیه اقتباس شده است، چنانکه نخستین بار در زمان فتحعلی شاه، میرزا ابوالحسن خان ایلچی طی سفرش به روسیه از وجود چنین حمایل‌هایی خبر می‌دهد: «در میان ایشان، نشان و حمایل متداول است، و نشان به اقسام ترکیبات و قسم‌ها و حمایل آبی و قرمز می‌باشد. آبی مختص پادشاه است و قرمز به هر کس داده می‌شود...» (میرزا محمدهادی علوی شیرازی(۱۳۶۳)، *سفرنامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی به روسیه*، به کوشش محمد گلبن، تهران: دنیای کتاب،).

۴ علی اکبر دهخدا (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، زیر نظر محمدمعین و سیدجعفر شهیدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، مدخل میم.

۵ نفیسی، همان، ج۲، ص ۹۶۴.

۶ بانو ملکزاده بیانی (۱۳۴۹)، «معرفی یک اثر هنری و تاریخی(مدال بهرام سوم ساسانی)»، *بررسی‌های تاریخی*، س۵، ش۱، ص۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

بزرگ و گاه مربع شکل تهیه می‌شد، نشان‌ها و مدال‌های دیگر شاهان در فرم و تزئینات از نمونه‌های فرنگی الگوبرداری شده است که نحوهٔ این الگوبرداری توضیح داده خواهد شد.

زمینه‌های ابداع مدال‌ها و نشان‌های عصر قاجار

نخستین سال‌های فرمانروایی فتحعلی شاه مقارن با جنگ‌های ناپلئون در اروپا بود و کشمکش‌های سیاسی میان انگلستان و فرانسه در دربار ایران نیز جریان داشت. فتحعلی شاه نیز ضمن برقراری رابطه سیاسی، درگیر جنگ با روس‌ها شد. پیش از این، کمتر چنین تماس نزدیک و پیوسته‌ای میان ایران و قدرت‌های اروپایی برقرارشده بود. دیپلمات‌ها و مأموران اروپایی در تهران استقرار یافتند و مسافران فرنگی، دسته‌دسته قلمرو شاه را زیر پا گذاشتند.[۱] در چنین شرایط حساس و پرتنشی ردوبدل هدایا معانی بسیار داشت و می‌توانست بر روابط طرفین تأثیر بسزایی بر جای بگذارد. نوع و میزان هدایا بستگی تام به وضعیت روابط طرفین در آن زمان داشت.[۲]

این هدایا شامل انواع پارچه و لباس‌های فاخر و زربفت، لوازم و ابزار مرصع از قبیل قلمدان، شمشیر، چاقو، ساعت و... همچنین مدال‌های افتخار و حمایل‌های رنگی می‌شد. اقدام قاجاریان در ابداع نمونه‌های ایرانی مدال‌های افتخار و نشان‌های نظامی به تقلید از اروپاییان و اعطای آنها به مناصب درباری و اتباع خارجی به منظور انتساب حاکمان جدید به رویدادهای افتخارآمیز و در جهت توجیه حقانیت حاکمیت و نیز تحریک روحیه وطن پرستی برای مقابله با تهدیدهای نظامی متعدد خارجی و سرپوش گذاشتن بر شکست‌های نظامی بود.

اهدای نشان در روابط دیپلماتیک دربار قاجار از اهمیت خاصی برخوردار بود، به‌طوری‌که در جریان عهدنامه‌های سیاسی و نظامی شرکت‌کنندگان با درجه افتخارات و نشان‌هایشان معرفی می‌شدند[۳] و در هنگام برگزاری جلسات مهم سیاسی و عقد قراردادهای نظامی و اقتصادی جایگاه افراد شرکت‌کننده را نوع نشان آنها مشخص می‌کرد، چنانکه جیمز موریه[۴] روایت می‌کند که در هنگام عقد پیمان‌نامه بین دولت ایران و روس چون نماینده

۱ ریچارد اتینگهاوزن و دیگران (۱۳۷۹)، *اوج‌های درخشان هنر ایران*، ترجمهٔ هرمز عبداللهی و رویین پاکباز، تهران: نشر آگه، ص۳۴۲.

۲ سید بنکدار، همان، ص۲۱۸.

۳ محمدجعفر خورموجی (۱۳۴۴)، *حقایق الاخبار ناصری*، به کوشش حسین خدیوجم، تهران: زوار، ص۱۱۰.

4 James Justinian Morier.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

ایران به‌رغم دست و دلبازی ایرانیان در اعطای مدال و نشان، نشان دلاوری نداشت از همتایان روسی خود عنوان و درجه پایین‌تری داشت.[۱] اما نکته‌ای که منابع قاجاری به آن اشاره نکرده‌اند، اختلافی بود که در مواردی بر سر میزان و ارزش این هدایا بین سفیران خارجی و دربار ایران پیش می‌آمد.[۲]

اگرچه مدال‌های ابداع‌شده در این دوران عموماً از لحاظ ظاهری تقلیدی از مشابه آنها در اروپا بود، اما به‌رغم تدوین قوانین در باب شرایط و ضوابط اعطای آن بازهم به ترتیب گذشته، اعطای خلعت و پیشکش تنها بسته به سلیقه پادشاه وقت بود و جایگاه فرد و میزان شایستگی وی در تعلق گرفتن نشان تأثیر چندانی نداشت.

نشان شیر و خورشید

منابع قاجاری درخصوص هدایایی که به‌عنوان خلعت از طرف پادشاه به سفرای روسیه داده می‌شد، موارد متعددی را ذکر کرده‌اند که ازجمله آنها نشان مرصع شیر و خورشید بوده است.[۳] نشان شیر و خورشید اولین نشانی است که در ایران صورت رسمی پیدا کرد. این نشان در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار ایجاد شد. قبل از آن نشان خورشید که از روی نشان لژیون دونور[۴] طراحی شده بود، در سال ۱۸۰۷م. ابداع گشت و به ژنرال گاردان و بعضی از اعضای هیئت وی اعطا شد.[۵]

رابینو[۶] اولین و قدیمی‌ترین نشان ابداعی را نشانی می‌داند که در واپسین جنگ‌های ایران و روس به دستور عباس میرزا ولیعهد ضرب گردیده است.[۷] در سال ۱۸۰۸ م. نشان شیر و

---

۱ جیمز موریه (۱۳۸۶)، *سفرنامه (گزارش هیئت اعزامی به ایران)*، ترجمهٔ ابوالقاسم سری، تهران: امیرکبیر، ص۳۳۹.

۲ سیدبنکدار، همان، ص۱۱۹.

۳ فضل الله خاوری (شیرازی) (۱۳۸۰)، *تاریخ ذوالقرنین*، تصحیح ناصر افشار، ج۱، تهران: مرکز اسناد و کتابخانه مجلس؛وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص۱۸۲؛ لسان الملک سپهر (۱۳۷۶)، *ناسخ التواریخ*، به اهتمام جمشید کیان‌فر، ج۱، تهران: نشر اساطیر، ص۲۸۹.

۴ نشان لژیون دونور (به فرانسوی: Ordre national de la Légion d'honneur) بالاترین نشان افتخار کشور فرانسه است که ناپلئون بناپارت در ۱۹ می ۱۸۰۲ آن را بنیان گذاشت. به این نشان برخی در فارسی «نشان شوالیه ادب و هنر» می‌گویند. این نشان از ۱۸۱۵ م. به دستور لوئی هجدهم به پنج سطح درجه‌بندی شد که شامل سه رده و دو مقام است که پایین‌ترین ردهٔ آن شوالیه است.

۵ آلفرد دو گاردان (۱۳۶۲)، *مأموریت ژنرال گاردان در ایران*، ترجمهٔ عباس اقبال، تهران: نشر نگاه، ص۶۳.

6 Hyacinth Louis Rabino.

۷ هـ ل. رابینو (۱۳۸۰)، نشان‌های دوران قاجاریه، ترجمهٔ توفیق فیروز، *مجله بخارا*، ش۲۱-۲۲، ص۳۴۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

خورشید از طرف فتحعلی شاه به تقلید از اقدام شاه سلیم سوم در ایجاد نشان هلال‌احمر عثمانی تأسیس شد. در این دوره به این نشان عنوان «نیشان مهر و شیر» داده بودند و به سفیران و سیاحان عالی‌قدر داده می‌شد.[۱] بااینکه اساساً تهیه و استعمال نشان امری تقلیدی است، اما انتخاب نقش شیر و خورشید برای نشان‌ها پیشینه‌ای به قدمت تاریخ دارد و از روی نمادهای اسطوره‌ای باستان طراحی شده است. احمد کسروی در کتاب خود ضمن اشاره‌ای به تاریخچهٔ شیر و خورشید در ایران علت انتخاب این نماد برای نشان‌ها را قدمت آن از زمان باستان می‌داند.[۲]

دروویل[۳] در سفرنامه خود طبقات مختلف نشان شیر و خورشید را چنین معرفی می‌کند:

۱. مدال نقره برای سربازان و درجه‌داران (به دارندهٔ این مدال ماهی دو روپیه (معادل پنج فرانک پاداش داده می‌شود).
۲. مدال طلا برای افسران جزء (پاداش دارندگان این مدال ده فرانک است).
۳. نشان کوچک (پاداش آن بیست فرانک است).
۴. نشان با حمایل که فقط جنبهٔ افتخاری دارد و تاکنون از طرف شاه به هیچ یک از نظامیان ایرانی به‌استثنای سفیر ایران در دربار روسیه اعطا نگردیده است.[۴]

سر جان ملکم[۵] درباره آن می‌نویسد: «علاوه بر اینکه علامت علم است، نشان افتخار است که بر طلا و نقره به سرداران و صاحب‌منصبان که در محاربهٔ با اعدای مملکت از امثال امتیاز حاصل کرده‌اند، از جانب پادشاه عنایت می‌شود».[۶] ملکم مدعی است که این نشان به‌ویژه برای او ابداع شده است و نخستین بار به وی اعطا شده است. این گفته تا حدی واقعیت داشت. یک سال پیش از آن، طی مراسم نوروز، هارفورد جونز[۷] از پذیرفتن نشان خودداری ورزید، زیرا آن نشان با فرانسویان ارتباط نزدیکی داشت و آن‌طور که هارفورد جونز برای توضیح به وزارت امور خارجه نوشت، مجموعه شرایطی که به ایجاد آن نشان انجامیده بود و همچنین اعطای نشان به اشخاصی که تا به آن زمان آن را دریافت داشته بودند، موجب شد

---

۱ لویی ماتییو لانگلس (۱۳۸۹)، *ایران فتحعلیشاهی*، ترجمهٔ عبدالمحمد روح‌بخشان، تهران: نشرکتاب روشن، ص۶۸.

۲ احمد کسروی (۱۳۵۶)، *کاروند کسروی (مجموعه ۷۸ رساله و گفتار از کسروی)*، به کوشش یحیی ذکاء، تهران: نشر سهامی کتاب‌های جیبی، ص۱۰۸.

3 Drouville.

۴ گاسپار دروویل (۱۳۶۵)، *سفر در ایران*، ترجمهٔ منوچهر اعتماد مقدم، تهران: شباویز، ص۲۸۳.

5 John Malcolm.

۶ سرجان ملکم (۱۳۸۰)، *تاریخ کامل ایران*، ترجمهٔ اسماعیل حیرت، ج۲، تهران: نشر افسون، ص۸۲۵.

7 Sir Harford Jones Brydges.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

که هارفورد جونز آن را رد کند. شاه باآنکه از این کارهای هارفوردجونز آزرده خاطر شد، اما ظاهراً توضیح وی را پذیرفت و در عوض فرمانی صادر کرد که به‌موجب آن به هارفوردجونز اختیار داده شد که نشان همایونی ایران را میان نشان خودش بگنجاند.[۱] با وجود این گاسپار درووِیل هم مدعی است قبل از سرجان ملکم مفتخر به دریافت این نشان از عباس میرزا گردیده و وقتی سفیر انگلیس از این موضوع مطلع گشته بسیار مکدر شده است.[۲]

سرجان ملکم دربارهٔ ارزش و اعتبار نشان شیر و خورشید در عصر فتحعلی شاه می‌گوید: «نشان افتخار منقش به این نقش در این اواخر، به چند نفر از سفرای فرنگستان که با دولت ایران در مقام مصافات بوده‌اند، داده شده است. همچنین به صاحب‌منصبان و سربازانی که در جنگ روس مردانگی به ظهور رسانیده بودند، از سده سلطنت عنایت شد. یکی از صاحب‌منصبان انگریز که در این اواخر با ایشان بود می‌گوید که فخر می‌کنند به داشتن نشان مزبور و جهد می‌کنند به تحصیل آن، چون وضع مملکت بالغلبه مقتضی آن است که در هر امری ملاحظه شئونات سلطنت شود».[۳]

همان‌طور که در جریان عدم پذیرش نشان توسط سرهارفورد جونز اشاره کردیم به‌تدریج از ارزش و اعتبار مدال شیر و خورشید کاسته شد، چون فتحعلی شاه بی‌توجه به ارزش معنوی و لزوم مبادله بین‌المللی مدال‌ها به بذل و بخشش این امتیازات می‌پرداخت. تا جایی که وقتی در سال ۱۸۳۳ م. از جانب دربار ایران برای وزیرمختار روسیه نشان شیر و خورشید درجه اول فرستاد شد، وزیرمختار به بهانه آنکه آن‌قدر ناقابل است که قابل‌قبول نیست، نشان را پس فرستاد و در هنگام شرفیابی با اینکه در دربار رسم بر این بود که اعضای هیئت همهٔ کشورها نشان‌های اعطایی را بر سینه خود نصب کنند، وزیرمختار و اعضای هیئت همراه هیچ‌یک نشان‌ها را با خود نداشتند و این باعث نهایت رنجش شد و بی‌احترامی تلقی گردید.[۴] بااین‌حال شاه تصمیم گرفت برای اینکه جای گله و شکایتی برای روس‌ها نماند، دستور دهد نشان تازه‌ای به ارزش پانصد تومان به‌جای نشانی که وزیرمختار پس فرستاده بود به او بدهند.[۵]

---

۱ هارفورد جونز بریجز (۱۳۹۵)، *گزارشی از دربار ایران (سال ۱۸۰۷-۱۸۱۱)*، ترجمهٔ عبدالحسین رئیس‌السادات، تهران: نشر امیرکبیر، ص۲۲۰.

۲ درووِیل، همان، ص۲۸۴.

۳ ملکم، همان، ج۲، صص۸۲۵ـ۸۲۶.

۴ سرجان کمبل (۱۳۸۴)، *دو سال آخر (یادداشت‌های روزانه سرجان‌کمبل نماینده انگلیس در دربار ایران در سلطنت فتحعلی شاه قاجار)*، ترجمهٔ ابراهیم تیموری، ج۱، تهران: نشر دانشگاه تهران، صص۲۴۴ـ۲۴۷.

۵ همان، ج۱، ص۲۴۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

با وجود بی‌اعتبار شدن نشان شیر و خورشید در این عصر نشان‌هایی توسط کسانی مانند عباس‌میرزا که سعی در تثبیت جایگاه معنوی نشان‌های دولتی داشت، ضرب گردید. این نشان که «نشان شجاعت» نام داشت، از ارزش و اعتبار بالایی برخوردار بود، چنانکه اعطای آن، لزوماً به افرادی صورت می‌گرفت که به‌واسطهٔ جان‌فشانی درراه وطن علیه دشمن خارجی و ایثار برای حفظ مقام سلطنت و خدمت در راه اعتلای وطن شایسته دریافت امتیاز و کسب مدال افتخار بودند. عباس میرزا خود شخصاً بر اعطای نشانی که خود ایجاد کرده بود به صاحب‌منصبان و سربازان نظارت می‌کرد. چنانکه امین‌الدوله از زبان حسین پاشا سرتیپ مراغه‌ای روایت می‌کند:

«در رکاب مرحوم عباس میرزا نایب السلطنه در محاصره و یورش قلعه امیرآباد زخم گلوله برداشته بودم و در چادر خود به بستر افتاده. نایب السلطنه به روش سرداران بزرگ، خود با اطبای فرنگی و ایرانی مختصین خود در اردو گردش و حتی به سربازهای مجروح وارسی می‌کرد. به چادر من آمد، احوالپرسی و دلجویی کرده، زخم مرا طبیب و جراح مخصوص ولیعهد دیدند و به من اطمینان دادند که زخم علاج پذیر است، به بالینم نشست و فرمود چه می خواهی؟ به ادب گفتم سلامت ولیعهد. گفت موقع تعارف و تملق نیست. هزار تومان نقد به من انعام فرمود و یکی از قرای معتبر مراغه را که وقتی اظهار میل و تقاضای کرده بودم به نانخانه من بخشید. گفتم مرحمت و عنایت فوق انتظارم بود که اگر به‌جای این دو احسان یکپارچه نقره بدهید که در سینه‌ام بدرخشد به من گواراتر است. نایب‌السلطنه بر خواست و فرمود: اگر زخم از پشت نبود مضایقه نمی‌کردم. خدمت امروزی تو همین‌قدر جایزه داشت که دادم».[۱]

نشان شیر و خورشیدی که توسط محمدشاه ایجاد شد، بعدها توسط جانشینان وی نیز ضرب گردید. در زمان محمدشاه اولین آیین‌نامهٔ نشان‌های رسمی دوره قاجار نیز توسط حاج میرزا آقاسی صدراعظم تدوین گردید. در این آیین‌نامه نشان‌های نظامی شیر و خورشید (شمشیربندان) از نشان شیر و خورشید مخصوص ایلچیان و سفرا و صاحبین مناصب اداری تفکیک شد. نشان‌های نظامی به هشت قسم درآمد.[۲] این آیین‌نامه غرض از تعدد درجات

۱ میرزاعلی‌خان امین‌الدوله (۱۳۷۰)، *خاطرات امین‌الدوله*، به کوشش حافظ فرمانفرماییان، تهران: امیرکبیر، ص۱۳.

۲ *نسخه خطی نشان‌های دولت علیه ایران* [بی‌تا]، کتابخانه ملی ایران و مرکز اسناد، شماره بازیابی ۵/۱۲۶۱۴، ص۹؛ *نشان‌های اهدایی دولت دلیر* [بی‌تا]، کاخ گلستان، شماره بازیابی ۳۹، ص۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

نشان‌های دولت علیه ایران را چنین شرح داده که: «عامه و خاصه اهالی نظام و بی‌نظام مقدور باشند که هر یک جوهر ذاتی خویش را به معرض ظهور رسانند و هر شخص به قدر قابلیت و استعدادش حرمت بیند و تحصیل عزت کند و برای هیچ یک از نوکران جان‌نثار حصول مراتب و ترقی غیرمقدور نباشد، بلکه هر کس از سر گذرد افسر یابد».[۱]

به‌رغم اینکه در عصر فتحعلی شاه ارزش مدال‌ها به بار مالی و ارزش جواهرات آنها بود، در آیین‌نامه تنظیم‌شدهٔ عصر محمدشاه مقرر گردید نشان‌های دولتی از هرگونه سنگ قیمتی خالی باشند و ارزش و اعتبار آنها تنها بسته به درجه و مرتبهٔ صاحب نشان تعیین گردد. همچنین مقرر گردید: «جنس نشان‌ها از نقره سیاقت شود، چراکه مقصود اصلی از دادن نشان، حصول افتخار صاحب نشان است، نه منتفع بودن او، والا هیچ لزومی نداشت که بخشش و صلات مردم در ضمن جواهر و اشکال مخصوصه باشد، بلکه به همان معدل قیمت نشان هم می‌توانند اکتفا کنند».[۲]

اقسام نشان در عصر محمدشاه عبارت بود از:

الف) نشان‌های نظامی دارای هشت مرتبه بوده و تفاوت آنها با سایر نشان‌های شیر و خورشید در این بود که تصویر شیر روی آن به‌صورت ایستاده و شمشیر برهنه در دستش بود. این قسم به ترتیب میزان اعتبار شامل نشان‌های زیر می‌شد که هر یک مشتمل بر سه درجه بودند: (۱) نشان سردار اعظم و نویانی که مشتمل بر سه درجه بود. درجه اول مخصوص نویان اعظم و بزرگترین امیر لشگر، درجه دوم مخصوص امرای مطیع و درجه سوم مخصوص سرداران بود؛ (۲) نشان امیر تومانی؛ (۳) نشان سرتیپی؛ (۴) نشان سرهنگی؛ (۵) نشان یاوری؛ (۶) نشان سلطانی؛ (۷) نشان نایبی؛ (۸) نشان وکیل و سرجوخه.[۳]

به‌تدریج از ارزش و اعتبار این نشان‌های نظامی کاسته شد. درجه‌داران ایرانی دیگر به‌صرف لیاقت و کاردانی ترفیع نمی‌گرفتند، بلکه حتی از دانش جنگ بی‌اطلاع بودند. هریک برای اینکه به درجه ممتازی منصوب شوند، مبالغی را پرداخت می‌کردند. این درجات علاوه بر خریدوفروش شدن، موروثی بود و گاهی حتی به کودکان نیز واگذار

۱ *نشانهای دولت علیه ایران* [بی‌تا]، مرکز اسناد و کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۷۱۹۵ ۶-: ث.۷۵۷۸، ص۱۰؛ *نشان‌های دولت دلیر*، همان، ص۱۰.

۲ نشان های دولت دلیر، همان، ص۱۱.

۳ همان، ص ۹؛ *نشان‌های دولت علیه ایران*، همان، ص۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

می‌شد. لردکرزن[۱] در باب درجه‌داران قشون ایران به این عدم شایسته‌سالاری در تفویض نشان و کم‌سن‌وسال بودن این درجه‌داران اشاره کرده است: «فن افسری ظاهراً در ایران مانند شاعری در سایر جاها مادرزادی است نه اکتسابی. در موقع مسافرتم به تهران طفلکی یازده ساله در قشون درجه امیر تومانی داشت».[۲]

اوژن فلاندن[۳] نیز درباره درجات ارتش ایران و بی‌اعتباری آنها در عصر محمدشاه توضیح داده و نتایج هولناک این قبیل اسراف‌کاری در امر اعطای نشان افتخار را گوشزد می‌کند: «درجات ارتش ایران مانند اروپا [است] ولیکن نظم و ترتیبی در درجه دادن نیست و برحسب لیاقت که اصل و اساس و پایه ارتش بدان وابسته است، نمی‌دهند بلکه بیشتر بر اساس تمایل شخصی یا دسایس داده می‌شود، مثلاً شاهزادگان و خان‌هایی هستند که از نظام بویی نبرده‌اند ولی درجات بلندمرتبه‌ای را حائزند. به چه علت این درجات را دارا شده‌اند؟ آیا از قدرت شخصی است یا از تجربه و علم و معرفت یا از عده که بدان‌ها سپرده شده ؟ نتایج وخیم این رویه در تمام ایران هویدا و محسوس است. حالا که زمان صلح و چنین باشد وای به‌وقت جنگ به‌ویژه با ارتش‌های منظم اروپایی یا آسیایی که در تحت تعلیم دول اروپایی قرار گرفته‌اند در آن‌وقت چه خواهند کرد ؟»[۴]

ب. از دیگر انواع نشان‌ها در دورهٔ محمدشاه نشان‌های غیرنظامی (سرشناسان) مخصوص ایلچیان و سفرای خارجی بود. این نشان برخلاف نشان‌های نظامی مکلل به الماس بوده و ازلحاظ شکل ظاهری متفاوت بود، ازآن‌جهت که شیر ایستاده و شمشیر روی نشان‌ها از جانب دولت‌های اروپایی به جنگ‌طلبی و جنگجویی ایرانیان تعبیر نشود، شیر را به حالت خوابیده و بدون شمشیر ترسیم کردند.[۵] این امر حکایت از تأثیر غیرقابل‌انکار مدال‌ها و نشان‌ها در روابط خارجی این عصر دارد.

در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه تغییراتی در اشکال و روند اعطای نشان شیر و خورشید صورت گرفت، به‌طوری‌که نشان‌های نظامی به پنج درجه تقسیم شد و نشان سرهنگی و سرتیپی که نشان دولتی بود و به عموم صاحب‌منصبان دولتی اعطا می‌شد، متروک و تنها

---

1 George Curzon.

۲ جرج ناتایل لردکرزن (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمهٔ وحید مازندرانی، ج۲، تهران: نشر علمی فرهنگی، ص۷۸۳.

3 Eugène Flandin.

۴ اوژن فلاندن (۱۳۵۶)، *سفرنامه فلاندن به ایران*، ترجمهٔ حسین میرصادقی، [بی‌جا]: نشر کتابخانه اشراقی، ص۱۵۳.

۵ کسروی، همان، ص۱۰۹؛ *نشان‌های دولت علیه*، همان، ص ۲۸؛ *نشان‌های دولت دلیر*، همان، ص۲۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

مخصوص نظامیان گردید.[۱] به گفته دکتر پولاک[۲] در این زمان به نشان‌های شیر و خورشید مخصوص خارجیان «نشان‌های ستاره‌دار» گفته می‌شد.[۳]

در بیان شرایط استحقاق دارندگان نشان‌ها در آیین‌نامه‌ای که در زمان ناصرالدین‌شاه تدوین گردید، چنین مقرر شد که چون سلاطین به‌واسطه بزرگی شأن و جایگاهشان از سایر مردم متمایزند، اگر اراده ایشان به اهدای نشان خود به‌عنوان پاداش به کسی قرار گرفت، همین شرط برای استحقاق فرد مذکور کافی است.[۴] بنابراین همان‌طور که اعطای خلعت و پیشکش در دوره‌های گذشته فقط بسته به خواست و خوشامد پادشاه بود، امتیازات دولتی نیز بدون رعایت ارزش معنوی و میزان خدمت و جایگاه فرد تنها به نظر پادشاه بستگی داشت.

میرزا ابراهیم شیبانی در *منتخب التواریخ* ذیل عنوان قرارنامه امتیازات دولتی (مصوب ۱۳۱۱ق.) شرط اعطای مدال های نظامی را به افراد غیر قشونی چنین ذکر کرده است: «غیر افراد قشونی اشخاصی مستوجب اعطا مدال می شوند که در رتبه نوکری خود به یک وزارتخانه یا یک سفارت به صدق چندین سال مداومت کرده یا در کسب و تجارت به‌راستی و حسن معامله مشهود شده یا در یک مرحله از اتفاقات و حوادث داخله یا سرحدیه به حفظ نظم و منع آشوب و صلاح امر عامه جان فشانی نموده یا در یک صنعت و فن مخترع کار تازه شده باشد».[۵]

با وجود این شاهد اعطای نشان‌ها و مدال‌های نظامی (شمشیربندان) و نشان‌های سرشناسان به افراد، بدون توجه به شایستگی آنها هستیم. چنانکه حتی به ملیجک کوچک نیز حمایل‌ها و امتیازات نظامی داده شده بود. اعتمادالسلطنه آورده است: «دیروز ملیجک کوچک لباس نظامی پوشیده بود. حمایل امیر تومانی انداخته بود. شمشیر بسته، چند نشان زده بود. ورود کرد خدمت شاه، فرمودند ملیجک به ایلچی‌ها شبیه شده است».[۶] حال‌آنکه باید دید ملیجک در خدمت کدام وزارتخانه یا سفارت بود و یا در کدام واقعه حافظ نظم و امنیت گردیده بود و در کدام فن اختراع کرده بود که شایسته چنین امتیازاتی گردیده بود؟

---

۱ یحیی شهیدی (۱۳۵۰)، «نشان‌های دوره قاجار»، *مجله بررسی‌های تاریخی*، س۶، ش۳، ص۲۳.

2 Jakob Eduard Polak.

۳ یاکوب ادوارد پولاک (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان*، به کوشش ایرج افشار، ترجمهٔ کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی، ص ۴۹۸.

۴ شهیدی، همان، ص۲۵.

۵ میرزا ابراهیم شیبانی (۱۳۶۶)، *منتخب التواریخ*، تهران: انتشارات علمی، ص۲۹۱.

۶ محمدحسن‌خان اعتمادالسطنه (۱۳۴۵)، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، با مقدمه ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ص۴۱۵.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

این قبیل دست و دلبازی‌های شاهانه در امر اعطای مدال و نشان به‌تدریج نگاه انتقادی برخی نزدیکان و درباریانی که به دنبال انجام اصلاحات در نظام قاجاری بودند را برانگیخت. به‌عنوان‌مثال امین‌الدوله درباره عدم شایستگی و تنزل ارزش نشان‌ها آورده است: «از اکابر و اعیان کسی به‌جای نمانده، پیرامون شاه یک دسته جوانان بی‌علم و ادب منحصر شده، بی‌انتظامی معنوی و فقدان حقوق و احترامات به همه‌جا شایع و مستولی. در ضیافتی که از جانب شاه به ژنرال مشارالیه داده بودند، پیش‌خدمتان پادشاهی و اعیان از دور دیده بود که از مراحل عمر هنوز قسمتی طی نکرده‌اند، اما غرق امتیازات بزرگ دولت و صاحب نشان و حمایل از درجات اولی هستند. ژنرال پرسید که برای دولت ایران آنچه در همسایگی اطلاع داریم موقع مشکل و امر مهمی جیش نیامده بود که این جوانان هنرمند به این‌همه امتیاز نائل بشوند مگر در شکارگاه پادشاهی صدای تفنگ شنیده با طیر و وحش جنگی کرده باشند».[۱]

اعتمادالسلطنه در چندین مورد به کم‌سن‌وسال بودن افراد صاحب نشان و عدم لزوم توانایی و قابلیت برای دریافت امتیاز اشاره‌کرده است. مثلاً در وصف مهمانی مشیرالدوله روایت کرده است که حتی یک نفر از مدعوین که اکثراً نوجوان بودند، بدون نشان‌های نظامی سرتیپی و سرهنگی در مهمانی حضور نیافته و حتی پسر چهارده‌ساله مشیرالدوله نیز لباس نظامی پوشیده و نشان‌های نظامی استعمال کرده است.[۲]

در امر اعطای نشان، نه‌تنها داشتن منصب و یا کسب افتخار عرف نبود بلکه برای کوچک‌ترین خوش‌خدمتی در پیشگاه شاه نشان‌های نظامی داده می‌شد. به‌عنوان‌مثال روایت‌شده به خادمی که برای اسب‌سواری شاه در خیابان تدبیری اندیشیده بود که به سم اسب شاه نمد بپیچند تا نلغزد، نشان سرهنگی و حمایل داده شد.[۳]

از دیگر رجال درباری که افراط در امر اعطای نشان را مورد انتقاد قرار داده، عین‌السلطنه است. وی درباره تعدد دارندگان نشان شیر و خورشید می‌گوید: نشان شیر و خورشید در حقیقت اول نشان قدیم ما است و آن قدر در داخله و خارجه از این نشان دارند که به حساب درنمی‌آید. در تنها ایران متجاوز از دو هزار نفر بدون استحقاق این نشان را دادند. در سه سفر

---

۱ امین‌الدوله، همان، ص۹۴۰.

۲ اعتمادالسلطنه، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، ص۹۹۴.

۳ مهدی‌بن‌رضاقلی ممتحن‌الدوله (۱۳۵۳)، *خاطرات ممتحن‌الدوله* (زندگی‌نامه میرزا مهدی‌خان ممتحن‌الدوله شقاقی)، به کوشش حسینقلی خان شقاقی، تهران: امیرکبیر، ص۴۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

فرنگ گمان می کنم دو هزار داده شده باشد. هرچه سفیر یا شارژدفر[۱] از خارجه وارد ایـران می‌شود تازگی رسم شده شب سیم ورود بدون هیچ ملاحظه نشان و حمایل می‌دهند. این نشان را به اهل نظام سابق نمی دادند. فقط برای خارج نظام و شاهزادگان محترم بود. به خارجه هم از همین نشان می‌دادند. خود اسم نشان معلوم است. باری روزی که[سـفیر روس بـه] گـیلان وارد شده بود پس از دو سه دفعه ملاقات با اکبر خان بیگلربیگی گیلان روزی گفته بود کـه شما به این سن کم باید خیلی خدمت کرده باشید که آن‌قدر نشان گرفته‌اید و گمـان مـی‌کـنم برای من‌بعد خودتان چیزی باقی نگذاشته باشید. خوب بود ملاحظه بعد را هم می‌کردید.[۲]

نمود گفتهٔ عین السلطنه در باب تعداد دارندگان نشان در داخل و خارج کشور را می‌تـوان در سفر شاه به عثمانی دید که به درخواست حسام الدوله چنانکه خود در سفرنامه‌اش آورده است، بیست‌وشش قطعـه نشـان شـیر و خورشـید و مـدال، بـا درجـات مختلـف از جانـب ناصرالدین‌شاه برای خدم‌وحشم و صاحبین مناصب دولت عثمانی ارسال گردید.[۳] طبق روایـات در فتح هرات نیز ناصرالدین‌شاه یک هزار و سیصد و پنجاه قطعـه نشـان از طـلا و نقـره بـه جهت یاوران و سلاطین و صاحب‌منصبان عنایت کرد.[۴]

ضمن اینکه در *تاریخ منتظم ناصری* در خـلال اسـامی کـارگزاران وزارت علـوم مدرسـه دارالفنون فهرستی از افتخارات اعطایی به آنها آورده شده است که به تمامی معلمـان ایرانـی و فرنگی دارالفنون نشان‌های نظامی داده شده بود. به‌عنوان‌مثال: اکبر خان نقاش‌باشی معلـم زبـان فرانسه و نقاشی و مترجم علم موزیک دارای نشان درجه سیم شیر و خورشید بود.[۵]

فزونی القاب و امتیازات دولتی به حدی رسیده بـود کـه «مکـرر بـه دسـتخط پادشـاهی، احکام اکید صادر می‌شد که القاب و نشان‌ها و دیگر امتیازات منسوخ است یا جـز بـه‌شـرط استحقاق و لیاقت داده نمی شود و در روزنامه دولتی صورت حکم همایون درج و یاسای دولتی منتشر می‌شد. روزی چند نمی‌رفت که پسران شاه قدغن پدر خود را می‌شکستند و بـرای هـر

1 Chargé d'affaires.

۲ قهرمان میرزای عین السلطنه (۱۳۷۴)، *روزنامه خاطرات عین السلطنه*، به کوشش مسعود سـالور و ایـرج افشـار، ج۱، تهران: اساطیر، ص ۷۰۵.

۳ مرادمیرزای حسام‌السلطنه (۱۳۷۴)، *سفرنامه مکه*، به کوشش رسول جعفریان، [بی‌جا]: نشر مشعر، ص۳۱۶.

۴ خورموجی، همان، ص۱۹۴.

۵ محمدحسن‌خان اعتمادالسطنه (۱۳۶۷)، *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح محمداسماعیل رضـوانی، ج۱، تهـران: دنیـای کتاب، ص۵۴۶.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

بی‌سروپا امتیازات و شئونات را خوار و خفیف می‌کردند و وزرا و ارکان خلوت هم از شاهزادگان بازنمی‌ماندند و به اصرار و ابرام بیشتر و بیشتر القاب و امتیازات صادر می‌شد و شاه از حکم خود که در روزنامه هم چاپ شده بود شرم و آزرم نداشت، بی خجالت می‌گفت که الحاح و ابرام مردم نمی‌گذارد یک حکم جاری و یک قاعده برقرار بماند».[۱]

کار به‌جایی رسیده بود که دیگر شاه بدون درخواست و یا وساطت به کسی نشانی اعطا نمی‌کرد و این‌گونه مرحمات در کسب نشان به‌صورت رسمی متداول درآمده بود، بدون اینکه از ارزش معنوی برخوردار باشد. اعتمادالسلطنه آورده است که: «میرزا ابوتراب خان فرمان تمثال و حمایل سبز درجه اول آورده بود که در روزنامه بنویسم. می‌گفت پریروز که با شاه سوار بودم، بدون اینکه عرضی کرده باشم شاه سر از کالسکه بیرون آوردند و فرمودند حمایل سبز داری؟ عرض کردم خیر. به مشیرالدوله فرمود برو پیش امین السلطان بگو حمایل سبز به او بدهد. این حرف دروغ محض است. در این چند سال نوکری دیده نشده شاه بدون استدعا به احدی این‌جور مرحمت کند».[۲]

مهمانان خارجی دربار نیز اعجاب خود را از این زیاده‌روی‌ها در موارد بسیاری بیان کرده‌اند. فوروکاوا[۳] سفیر ژاپن در دربار ناصری از درخواست نشان سرتیپی توسط یکی از اشراف برای فرزندش طی نامه‌ای از سرهنگ اتریشی معلم مدرسه نظام یادکرده است که در این نامه خواهش کرده بود، این نوجوان را یکی دو سال آموزش دهند و سپس نشان سرتیپی به او بدهند. سرهنگ اتریشی نیز پاسخ داد بود که او چندین ده سال در مدارج نظامی خدمت کرده تا سرانجام درجه سرتیپی یافته است و نمی‌تواند این درخواست را بپذیرد.[۴]

همچنین فوروکاوا در جای دیگر اعجاب خود را از اینکه محیط اردوی شاهانه به وضع اسف‌باری کثیف و متعفن است، اما در این وضع صاحبان قشون چندین نشان به سینه زده‌اند و لباس زردوزی پوشیده‌اند بیان می‌کند و می‌گوید این رنگ و نمایش‌ها نمی‌تواند آن زشتی‌ها را بپوشاند.[۵]

---

۱ امین‌الدوله (۱۳۷۰)، همان، ص۸۱.

۲ اعتمادالسلطنه، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، ص۸۱۱.

3 Furukawa.

۴ نوبویوشی فوروکاوا (۱۳۸۴)، *سفرنامه فوروکاوا*، ترجمهٔ هاشم رجب‌زاده و کینجی ئه‌اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص۱۳۰.

۵ همان، ص۱۲۶.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

دولت ایران به‌ناچار برای رفع مشکل عدم پذیرش نشان‌های عمومی توسط سفرای خارجه تدبیری اندیشیده بود و چنین بود که بلافاصله پس از ورود اتباع به دربار قبل از اینکه نشان‌ها را استعمال شده توسط دیگران ببینند، نشان عالی به آنها اهدا می‌شد. سر آرتور هاردینگ[1] در خاطرات خود از این رسم یادکرده و نوشته است: «من می بایست در ضمن این شرفیابی نشان والای شیر و خورشید را که طبق رسوم جاری دربار ایران به سفیران و وزیران مختار خارجی در اولین یا دومین باریابی آنها داده می‌شود، از دست پادشاه ایران دریافت دارم. یکی از دیپلمات‌های خارجی مقیم تهران دلیل این رسم عجیب دربار ایران را که عالی‌ترین نشان مملکتی را با این عجله، پیش از آنکه سفیر نورسیده گرد سفر زدوده باشد به او می‌بخشد، با لحنی بی رحمانه چنین تفسیر کرد که اگر اولیای دربار ایران در اعطای این نشان به نمایندگان سیاسی خارجه تعلل ورزند، پس از مدتی متوجه خواهند شد که همان نشان را در عرض مدتی بسیار کم، با چنان سخاوتی به یک‌مشت فاسد و اوباش و بی‌سروپا بخشیده‌اند که دیگر هیچ نیرویی نمی تواند سفرای خارجی را وادار به گرفتن نشانی بکند که نظایرش را این گونه افراد بدنام در اختیار دارند».[2]

به‌رغم اینکه در ایران این قبیل دست و دلبازی‌ها در امر اعطای نشان صورت می‌گرفت، از جانب دولت بریتانیا اعطای نشان قاعده و قانون مقرری داشت، چنانکه خارج از امپراتوری و توسط سفرا به هیچ‌کس این قبیل هدایا اهدا نمی‌گردید و آنچه نمایندگان سیاسی در ایران هدیه می‌دادند، نشان را شامل نمی‌شد. مگر اینکه در مقابل اهدای نشان از جانب ایران امتیاز بالایی با سود کلان به دولت بریتانیا داده می‌شد. به‌عنوان مثال نشان (خاج اعظم)[3] یکی از نشان های معروف دولت انگلیس پس از اعطای حق کشتیرانی در رود کارون و امتیاز احداث راه‌آهن در ایران به ظل السلطان داده شد، چراکه سخت مشتاق دریافت آن بود.[4]

اهدای مدال از جانب سفرای خارجی به ایرانیان تابع قوانین و شرایط خاصی بود و بر خلاف ایرانیان بی‌دلیل داده نمی‌شد چنانکه سر موتمیر دوراند اعطای نشان لیاقت دولت خود

1 Sir Arthur Harding.

۲ آرتور هاردینگ (۱۳۸۷)، *خاطرات سرآرتور هاردینگ*، ترجمهٔ جواد شیخ‌الاسلامی، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، ص۲۳.

۳ great cross: نماد صلیبی که حضرت عیسی را بر آن به دار کشیدند.

۴ دنیس رایت (۱۳۷۶)، *انگلیسی‌ها در میان ایرانیان*، ترجمهٔ لطفعلی خلجی، تهران: نشر مرکز، ص۵۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

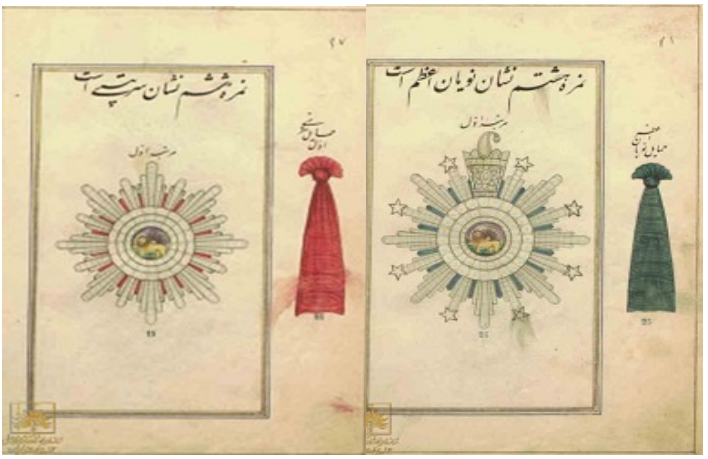
به مظفرالدین میرزا ولیعهد ناصرالدین شاه را به دلیل ضعف و بی‌لیاقتی مأموران وی در کنترل ناآرامی‌های تبریز به تعویق انداخته بود.[۱]



۱ سر مورتیمر دوراند (۱۳۹۲)، *اسنادی درباره وضعیت ایران در دهه پایانی قرن بیستم*، ترجمهٔ احمید سیف، تهران: نشر نی، ص۲۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]



نشان‌های مخصوص نظامیان در عصر ناصرالدین‌شاه[۱]

نشان‌های اقدس، مقدس و قدس

در دوران طولانی حکومت ناصرالدین شاه بیشترین جواهراتی که بین دربار ایران و کشورهای خارجی ردوبدل می‌شد، نشان‌ها و مدال‌های مرصع بود که بر اساس عرف دیپلماتیک به مقامات دو طرف اهدا می‌گردید.[۲] بنابراین امر تهیه مدال و نشان با دقت و الگوبرداری از نمونه‌های فرنگی رواج یافته، آیین‌نامه اعطای مدال‌ها و نشان‌ها اصلاح شد و چون به دلیل کثرت افراد دارای نشان به‌ویژه افراد ناکارآمد و عامه، سفرا و اتباع خارجه دیگر حاضر به پذیرش مدال‌های افتخار ایران نبودند، دولت ناچار به ضرب نشان‌های جدید یا تغییر در شکل و ظاهر مدال‌ها گردید و نشان‌های دیگری برحسب مورداحتیاجی که پیش می‌آمد بر مجموعهٔ گذشته افزوده شد.

همان‌طور که اشاره کردیم، فزونی افراد دارای نشان و بی‌اعتبار شدن نشان‌ها نزد اتباع خارجی سبب شد که درنهایت سه نشان جدید به نام‌های اقدس، قدس و مقدس شکل بگیرد و در ۱۲۷۸ق. شرحی در قواعد استفاده از آنها به اشارهٔ ناصرالدین‌شاه نگاشته شد که در بیان شرایط استحقاق دارندگان نشان های مبارکه اقدس، قدس و مقدس توضیح داده بود و مقرر گردیده بود که نشان اقدس مختص مقام پادشاهی، نشان قدس مخصوص مقام وزارت عظمی و

۱ *نسخه خطی نشانهای دولت علیه ایران*، همان، صص۵ـ۸.
۲ سیدبنکدار، همان، ص۲۴۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

سفرای کبار دولتین باشد و نشان مقدس به کسانی غیر از حکام ولایات و امیر تومان و وزرای مقیم داده نشود.[۱]

در *مرآت الوقایع* درباره این سه نشان چنین آمده است: «نشان محترم این دولت نشان «اقدس» و «قدس» و «مقدس» است که شکل آن مدور و پره پره است. بر بالا صورت تاجی دارد و تمام نشان مکلل به جواهر است و در وسط آن شیر و خورشید که نشان مخصوص دولت ایران است، می‌باشد. اقدس از قدس و قدس از مقدس بزرگ‌تر است. این نشان‌ها را نشان شیر و خورشید نیز گویند».[۲]

در کتاب *شرح زندگانی من* علت ایجاد این سه نشان و مرتبه بندی آن زیادشدن تعداد دارندگان نشان دانسته شده و در باب اقدامات امیرکبیر و زیاده‌روی‌های میرزا آقاخان نوری در تفویض نشان چنین آورده شده است: «امیرکبیر در اعطای نشان‌های هفت درجه منتهای دقت را داشت و جز در موارد تقدیم خدمت نمایان به کسی نشان داده نمی‌شد. مثلاً حسام‌السلطنه بعد از فتح خراسان گذشته از تمثال و شمشیر مرصع که جنبه خصوصی داشته نشان دولتی سرهنگی گرفته بود. ولی گشاده‌بازی‌های میرزا آقاخان که چون برای خود و کس و کارش هرروز نشان و امتیاز می گرفته و نمی‌توانسته است به سایرین ندهد، کار را از خرک بیرون کرده و دارندگان نشان زیاد شدند. به همین جهت است که شاه این سه نشان را ایجاد کرده است که لامحاله اگر برای سلاطین و وزرای کشور خارجی نشان می فرستند چیز عمومی نباشد».[۳]

باوجود افزایش تعداد نشان‌ها در زیاده‌روی در استعمال آنها تغییری حاصل نشد، «امتیازات دولتی که برای اعضا و اعضاد دولت عوض عمر و جان است و باید عزیز و محترم بماند، به دست هوس مردم از جندی و قلمی افتاد»[۴] و افراط در تفویض امتیازات دولتی و دریافت نشان باواسطه و سفارش اعیان، سبب شده بود از یک‌سو شخص شاه نیز از این وضعیت به ستوه آید و بدون میل قلبی دست به چنین مرحماتی زند، چنانکه: «هرگاه بدون میل قلبی و به اصرار و واسطه امتیاز و منصبی به کسی می‌دهند، به قسمی شخص امتیاز گرفته را مفتضح می‌کند که

۱ اعتمادالسلطنه، *تاریخ منتظم ناصری*،ص ۱۴۰۲.

۲ عبدالحسین سپهر ملک المورخین (۱۳۶۸)، *مرآت‌الوقایع مظفری*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات زرین، ص۲۹۱.

۳ عبدالله مستوفی (۱۳۸۸)، *شرح زندگانی من*، ج۱، تهران: زوار، صص۱۴۵ـ۱۴۶.

۴ امین‌الدوله، همان، ص۱۲۳.

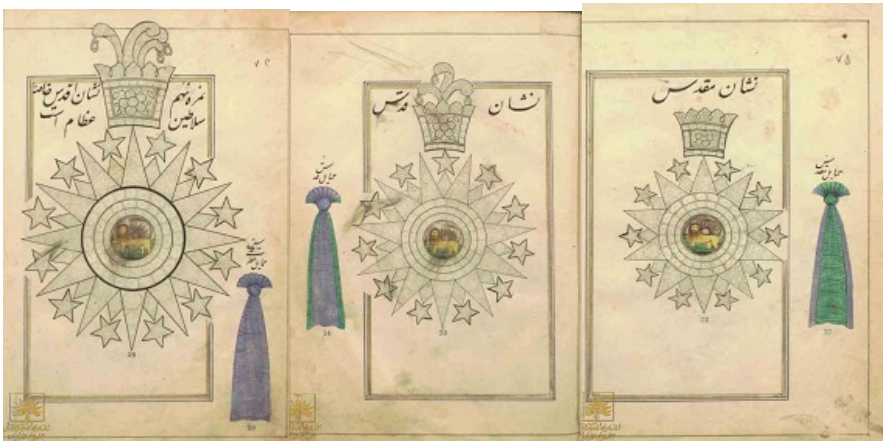
[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

شخص بیزار از منصب صدارت و نشان اقدس می‌شود».[۱]

این مسئله آنقدر ادامه‌دار شد تا مجدداً مشیرالدوله ناچار شد در قواعد آنها دست به اصلاحاتی بزند. وی در نشان‌های نظامی حمایل را در سرهنگی موقوف کرد. رنگ حمایل‌ها را تغییر داد و برای خارجی‌ها و نظامی‌ها، به تقلید از «لژیون دونور» فرانسه نشان پنج درجه شیر و خورشید برقرار کرد.[۲] همان‌طور که اشاره شد تغییرات جدید نیز تقلیدی بوده و ارزش معنوی نداشت.

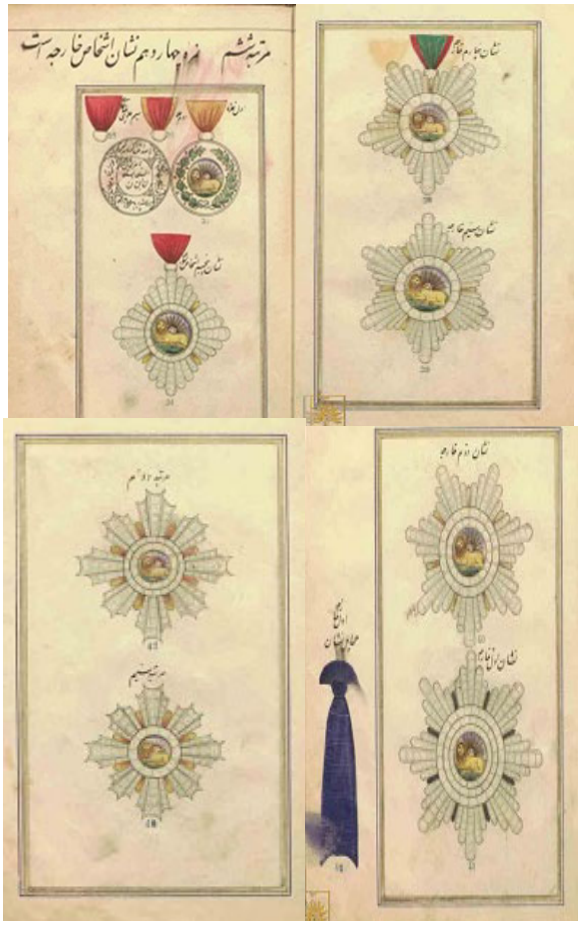
برای سایر طبقات که خارجی ها و حتی نظامی ها هم از روی نشان «لژیون دونور» فرانسه نشان پنج‌درجه‌ای به اسم نشان شیر و خورشید برقرار کرد که درجه اول آن با حمایل سبز بود. اما نشان اقدس و قدس به حال خود باقی ماند و در حقیقت، نشان درجه اول شیر و خورشید جای نشان مقدس را گرفت و نظامنامه‌ای برای هر یک نوشت و در اعطای نشان و رتبه نظامی بسیار کفید می‌کرد.[۳]



(نشان‌های اقدس، قدس و مقدس در عصر ناصرالدین‌شاه)[۴]

۱ اعتمادالسلطنه، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، ص ۷۴۷.
۲ مستوفی، همان، ج۲، صص۱۷۵ـ۱۷۶.
۳ همان، ج۲، ص۱۷۶.
۴ *نسخه خطی نشان‌های دولت علیه*، همان، ص۱۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]



(نشان‌های مخصوص خارجیان در عصر ناصرالدین‌شاه)[۱]

تمثال همایون

یکی دیگر از نشان‌های عصر قاجار تمثال همایون بود. تمثال همایون مدال جواهر نشانی بود که منقش به تصویر پادشاه وقت گردیده بود. نشان تمثال ابتدا توسط اروپاییان ابداع گردید، سپس سلطان محمود ثانی به تقلید از اروپاییان اقدام به ضرب تمثال نمود.[۲] مقارن با همین

۱ همان، صص۱۵ـ۱۶.

2 I. Mahmut Yeniden (2010), *Yapılanma Sürecinde,* Dr.Coşkun Yılmaz, Avrupa Kültür Başkenti. İstanbul, pp. 198-199.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

دوران، فتحعلی شاه با الهام از تمثال محمود ثانی تمثال همایون را ایجاد کرد.[۱] این نشـان ارزش نظامی نداشت بلکه تنها به‌عنوان و پیشکشی از جانب شاه به اطرافیان اهدا می‌شد.[۲]

نشان تمثال به‌اندازه‌ای برای عمال و کارگزاران حکومتی دارای اهمیت و ارزش بـود کـه برای به دست آوردنش از هیچ اقدامی دریغ نمی‌کردند و از بذل و بخشش مال فراوان به شاه و اطرافیانش کم نمی‌گذاشتند، چنانکه غلامحسین خان کدخدای عراق سیم و زر فراوان تقـدیم پیشگاه شاه نمود و به مردم شهر دستور داد آذوقه لشکر شاه را فراهم کنند و هدایای بسیار به درباریان داد تا نهایتاً به تمثال همایون مفتخر گشت.[۳]

روندی که در مورد سایر مدال‌ها و نشان‌ها طی و به‌تدریج از ارزش آنهـا کاسـته شـد، در اندک مدتی در مورد تمثال همایون هم رخ داد. در زمان صدارت امیرکبیـر از آنجـا کـه وی همواره درصدد انجام اصلاحات و سامان دادن به وضع موجود بـود، در امـر اعطـای مـدال و نشان نیز دست به اصلاحاتی زد. به این صورت کـه اعطـای نشـان تمثـال بـه اتبـاع خـارجی محدود شد و تنها در برابر امتیازات متقابل از جانب دولت مزبور ایـن گونـه امتیـازات اعطـا می‌شد. به‌عنوان‌مثال، کنت دوسارتیژ[۴] سفیر فرانسه به بهانهٔ این‌که چرا به سـفرای دول دیگـر تصویر همایون مرحمت شده است و به او نشده است، نشان اعطایی را پس فرستاد.[۵]

ناصرالدین‌شاه نیز مانند فتحعلی شاه به جایگاه نشان‌ها نگاه مادی داشت و به ارزش معنوی آنها بی‌توجه بود، چنانکه برخلاف تدوین آیین‌نامه نشان تمثال را نیز بسته به میـزان و تعـداد الماسش درجه‌بندی کرد.[۶] در اعطای نشان تمثال به حدی زیاده‌روی شده بود کـه حتـی آشـپز دربار و خدمتکاران رجال هم از آن داشتند.[۷] در بعد خارجی سفیران دیگر حاضر به دریافت تمثال نبودند، به‌عنوان‌مثال سفیر روس از اینکه تمثالی که به او داده‌شده بود را به یک مترجم ساده ارمنی هم داده بودند، ناراحت شد و برای رفع این مشکل دستور داده شد در روز شرفیابی

1 Eldem Edhem (2004), *Iftihar ve Imtiyaz* (Osmanli Nisan ve Madalyalari Tarihi), Estambul: Baski Eylul, pp. 27-29.

۲ محمدحسن خان اعتمادالسطنه (۱۳۶۳)، *المآثر و الآثار* (چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه)، به کوشش ایرج افشار، ج۲، تهران: اساطیر، ص۵۴۹.

۳ شیبانی، همان، ج۱، صص۲۱۷ـ۲۱۸.

4 Kent Dosartiz.

۵ عباس اقبال (۱۳۹۲)، *میرزا تقی‌خان امیرکبیر*، تهران: نشر نگاه، ص۱۴۱.

۶ اعتمادالسلطنه، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، ص۲۸۲.

۷ اعتمادالسلطنه، *همان*، صص۸۲۰ و ۹۹۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

نایب السلطنه هیچ‌کس تمثال نزده باشد.[۱]

واسطه گری در امر تفویض نشان تنها مختص نشان‌های نظامی نبود، بلکه تمثال هم بدین‌گونه دستاویز طمع برخی قرارگرفته بود. عین‌السلطنه این واسطه‌گری‌ها در امر تفویض تمثال را علامت انقراض و ضعف سلطنت می‌داند.[۲] وضع چنان آشفته شده بود که دیگر شاه با میل و رضایت قلبی به کسی امتیاز نمی‌داد و به‌قدری از این وضعیت به ستوه آمده بود که در هنگام اعطای تمثال ناسزا می‌گفت.[۳]



قالب تمثال همایون در عصر ناصرالدین‌شاه[۴]

در عهد مظفرالدین‌شاه استعمال نشان همایونی هنوز مرسوم بوده است، وی در مواردی تمثال پدرش را هم هدیه می‌داد.[۵] اولین تمثال همایون در دورهٔ مظفری از جانب شاه به صدر اعظم امین‌السلطان اهدا شد.[۶] عین‌السلطنه در عصر مظفرالدین شاه، به ضرب تمثال‌های بدلی توسط اشراف‌زادگان و استعمال آنها در این دوره اشاره‌کرده است.[۷]

---

۱ عین‌السلطنه، همان، ج۱، ص ۷۰۵.
۲ همان، ج۱، ص۱۱۴۷.
۳ مستوفی، همان، ج۱، ص۱۰۶.
۴ *نسخه خطی نشان‌های دولت علیه*، همان، ص۶.
۵ ملک المورخین سپهر، همان، ج۱، ص۲۹۵.
۶ مستوفی، همان، ج۱، ص۸۳.
۷ عین‌السلطنه، همان، ج۲، ص۱۶۹۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

سایر نشان‌های افتخار و یادگار واقعه

از جمله نشان‌هایی که به‌واسطه وقوع یک رخداد شکل گرفت، نشان ظفر در عصر فتحعلی شاه بود. این نشان نمونه بارزی از نشان‌های بی‌اعتبار و بی‌پشتوانه بود، چراکه به یادگار فتح و پیروزی ترکمنچای ضرب گردیده بود و منظور از پیروزی و ظفر همان شکست ننگین در جنگ با روس و عهدنامه ترکمنچای بود.[۱]

در عصر ناصرالدین‌شاه انواع و اقسام تازه‌ای از مدال برای افراد مختلف تعریف شد، ازجمله مدال دانش‌آموختگان مدرسه عالی دارالفنون و مدال‌هایی که به مناسبت بازدید شاه از قورخانه یا ضرابخانه سلطنتی یا مسافرت فرنگ ضرب شده که مطالعه نقوش آنها و دریافت‌کنندگان نشان‌ها و خدمات ایشان خود یک تاریخ تفصیلی را بیان می‌کند.[۲]

نشان آفتاب، نشان رشادت، نشان افتخار، نشان یادگار سال پنجاهم سلطنت، نشان ذوالقرنین و نشان ناصری ازجمله دیگر نشان‌های ابداع‌شده در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه هستند.[۳] نشان آفتاب در عصر مظفری نیز کاربرد داشته است برای نمونه در سال ۱۳۱۴ق.، به زوجه شمس الدین بیک سفیر دولت عثمانی از جانب مظفرالدین شاه یک قطعه «نشان آفتاب» اهدا شد.[۴]



نشان آفتاب مخصوص بانوان ابداع‌شده در عصر ناصرالدین‌شاه

۱ زینب آزمون (۱۳۹۳)، *نشان‌ها و مدال‌های قاجاریه*، تهران: پازینه، ص۳۴.
۲ همان، ص۴۳.
۳ محمد مشیری (۱۳۵۰)، «نشان‌ها و مدال‌های ایران از آغاز سلطنت قاجار تا امروز»، *بررسی‌های تاریخی*، س۶، ش۶، ص۳۳.
۴ ملک المورخین سپهر، همان ، صص۷۵ـ۷۶.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]



(نشان‌های اهالی صنایع و علوم در عصر ناصرالدین‌شاه)[۱]

مظفرالدین شاه در امر ابداع نشان‌ها از سلف خود پیشی گرفت، به‌طوری‌که حتی در سفر اول فرنگ وقتی مابه‌ازایی برای نشان اهدایی سلطان عثمانی نداشت، امر کرد که به یادگار آن روز نشانی ضرب کنند و برای سلطان فرستاد.[۲]

سکه ها و نشان های دوران کوتاه سلطنت محمدعلی شاه نیز به روال زمان مظفرالدین شاه بود. یکی از مدال‌های مهم زمان وی که تفسیر زیادی دارد، نشان معروف به توپ بستن مجلس است که به نام «نشان یادگار بمباران مجلس» شناخته می‌شود که جنگ و کشمکش بین استبداد مطلق و آزادی خواهی ملت را روایت می کند. این نشان که از طلا و نقره ضرب شده پس از به توپ بستن مجلس به سران شرکت‌کنندگان در تخریب مجلس شورای ملی اعطا شد.[۳]

در دوره احمدشاه نیز نشان تاج در خارج از کشور به تقلید از نشان سنت ژرژ[۴] انگلستان با حمایل آبی‌رنگ ضرب گردید.[۵] بسیاری از انگلیسی‌ها و سایر خارجیان در دوره قاجار

۱ *نسخه خطی نشان‌های دولت علیه*، همان، ص ۱۰.

۲ میرزا مهدی خان کاشانی (۱۳۶۱)، *سفرنامه مبارکه مظفرالدین شاه به فرنگ*،به کوشش علی دهباشی، تهران: کتاب فرزان، ص۲۱۸

۳ آزمون، همان، ص۷۸.

4 St. George.

۵ عزیز السلطان (۱۳۷۶)، *خاطرات عزیزالسلطان*، تصحیح محسن میرزایی، ج۴، تهران: انتشارات زریاب، ص۲۶۶۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

نشان شیر و خورشید را دریافت داشتند، از میان آخرین دریافت کنندگان می‌توان لرد آیرنساید[1] را نام برد که فرماندهی قوای بریتانیا را در شمال ایران بر عهده داشت. احمدشاه به‌طور غیرمنتظره چند روز پیش از وقوع کودتایی که به عزل دودمان قاجاریه انجامید، آن نشان را به لرد آیرونساید اعطا کرد.[2] آشفتگی اوضاع در این دوره به‌اندازه‌ای بود که در روز تاج‌گذاری احمدشاه تمثال‌ها و نشان‌ها کرایه داده می‌شد.[3]

نتیجه‌گیری

امر اعطای خلعت و پیشکش از جانب بزرگان یکی از مرسومات تشریفاتی در روابط خارجی در طول تاریخ ایران بوده است. مرحمات و پیشکشی‌های شاهی معمولاً به اراده و خواست شاه اعطا می‌شده و عامل دیگری در این امر دخیل نبوده است.

بنا بر اقتضای گسترش روابط ایران عصر قاجار با دول اروپایی، لزوم ایجاد تغییرات و افزودن نوآوری‌های تازه به خلعت‌ها، هم‌طراز با عرف متداول دیپلماتیک احساس شد. بنابراین نشان‌ها و مدال‌های افتخار به تقلید از اروپایی‌ها شکل گرفت. اما این الگوبرداری ناقص بود، چراکه فقط ظاهر مدال‌های اروپایی تقلید شد و نحوهٔ اعطای آن به سبک اروپایی انجام نمی‌گرفت و قاجاریان به مدال و نشان همان نگاه خلعت‌گونه را داشتند. این تفاوت دیدگاه برای اروپاییانی که اعطای نشان‌ها و مدال‌هایشان تحت ضوابط و آیین‌نامه‌ها و بررسی‌های افراد صورت می‌گرفت، مطلوب واقع نشد و آن انتظاری را که قاجاریه از اقتباس نشان‌های اروپایی و استفاده از آن در روابط خارجی خود داشتند، برآورده نساخت.

همین شکل از الگوبرداری از نشان‌های اروپایی در مناسبات داخلی قاجارها هم معمول بود. نگاه قاجارها به مدال‌ها و نشان‌هایی که در داخل استعمال می‌شد، به‌مانند سایر خلعت‌ها و القابی بود که بدون اصول و ضابطه و بر اساس رابطه به درباریان اعطا می‌شد و پس از مدتی اعتبار خود را از دست می‌داد و لاجرم پادشاه قاجار متوسل به اختراع نشان و امتیاز تازه‌ای می‌گردید که این دور باطل مجدداً برای نشان‌های تازه نیز اتفاق می‌افتاد و موجب بی‌اعتباری نشان‌های تازه می‌گردید. چراکه پادشاه قاجار این نشان‌ها را بیشتر بر اساس روابط موجود در

1 Edmund Ironside.

۲ رایت، همان، ص۵۴.

۳ عزیزالسلطان، همان، ج۴، ص۲۴۳۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

میان دربار خود اعطا می‌نمود تا بر اساس شایستگی‌ها و لیاقت‌های فردی افراد واجد شرایط. بنابراین تقلیدی بودن و زیاده‌روی در امر اعطا، از ارزش آن مانند دیگر نوآوری‌های عصر قاجار کاست و تأثیر چندان مثبتی در روابط داخلی و خارجی برجای نگذاشت.

منابع و مآخذ

- آزمون، زینب (۱۳۹۳)، *نشان‌ها و مدال‌های قاجاریه*، تهران: پازینه.
- اتینگهاوزن، ریچارد و دیگران (۱۳۷۹)، *اوج‌های درخشان هنر ایران*، ترجمهٔ هرمز عبداللهی و رویین پاکباز، تهران: نشر آگه.
- اعتمادالسطنه، محمدحسن خان (۱۳۴۵)، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، با مقدمه ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- ـــــ (۱۳۶۳)، *الماثر و الآثار* (چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه): به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- ـــــ (۱۳۶۷)، *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- ـــــ (۱۳۶۷)، *مرآت البلدان*، به‌کوشش عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.
- اقبال، عباس (۱۳۹۲)، *میرزا تقی‌خان امیرکبیر*، تهران: نشر نگاه.
- امین‌الدوله، میرزاعلی‌خان (۱۳۷۰)، *خاطرات امین‌الدوله*، به کوشش حافظ فرمانفرماییان، تهران: امیرکبیر.
- بریان، پی یر (۱۳۷۷)، *تاریخ امپراتوری هخامنشیان* (از کوروش تا اسکندر)، ترجمهٔ مهدی سمسار، تهران: زریاب.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان*، ترجمهٔ کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- جونز بریجز، هارفورد (۱۳۹۵)، *گزارشی از دربار ایران (سال ۱۸۰۷-۱۸۱۱)*، ترجمهٔ عبدالحسین رئیس‌السادات، تهران: نشر امیرکبیر.
- حسام‌السلطنه، مرادمیرزا (۱۳۷۴)، *سفرنامه مکه*، به کوشش رسول جعفریان، [بی‌جا]: نشر مشعر.
- خاوری (شیرازی)، فضل الله (۱۳۸۰)، *تاریخ ذوالقرنین*، تصحیح ناصر افشار، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خورموجی، محمدجعفر (۱۳۴۴)، *حقایق الاخبار ناصری*، به کوشش حسین خدیوجم، تهران: زوار.
- درووِیل، گاسپار (۱۳۶۵)، *سفر در ایران*، ترجمهٔ منوچهر اعتماد مقدم، تهران: شباویز.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، زیر نظر محمدمعین و سیدجعفر شهیدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رابینو، ه ل.(۱۳۸۰)، نشان‌های دوران قاجاریه، ترجمهٔ توفیق فیروز، *مجله بخارا*، ش ۲۱-۲۲.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

- رازی پور، فاطمه (۱۳۹۴)، مدال ها و نشان های تاریخی، آستان هنر، ش ۱، ص ۷۲تا ۷۹.
- رایت، دنیس(۱۳۷۶)، *انگلیسی‌ها در میان ایرانیان*، ترجمهٔ لطفعلی خلجی، تهران: نشر مرکز.
- سپهر، عبدالحسین ملک المورخین (۱۳۶۸)، *مرآت‌الوقایع مظفری*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات زرین.
- سپهر، محمدتقی لسان الملک (۱۳۷۶)، *ناسخ التواریخ*، به اهتمام جمشید کیان‌فر، تهران: نشر اساطیر.
- سید بنکدار، سیدمسعود (۱۳۹۱)، *نقش و اهمیت جواهرات سلطنتی در تحولات سیاسی و اقتصادی ایران با تکیه بر تحلیل دوره صفویه و دوره قاجار*، پایان‌نامه دکتری تاریخ گرایش ایران دوره اسلامی، استادان راهنما حسین میرجعفری و لقمان دهقان نیری، دانشگاه اصفهان.
- شرلی، آنتونی (۱۳۶۲)، *سفرنامه برادران شرلی*، ترجمهٔ آوانس، به کوشش علی دهباشی، تهران: نگاه.
- شهیدی، یحیی (۱۳۵۰)، نشان‌های دوره قاجار، *مجله بررسی‌های تاریخی*، س ۶، ش ۳.
- شیبانی، میرزا ابراهیم (۱۳۶۶)، *منتخب التواریخ*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی.
- عزیز السلطان، غلامعلی خان (میلجک ثانی) (۱۳۷۴)، *خاطرات عزیزالسلطان*، ج۴، تصحیح محسن میرزایی، تهران: نشر زریاب.
- علوی شیرازی، میرزا محمدهادی (۱۳۶۳)، *سفرنامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی به روسیه*، به کوشش محمد گلبن، تهران: دنیای کتاب.
- علیزاده بیرجندی، زهرا و همکاران(۱۳۹۶)، واکاوی خواستگاه و کارکردهای تشان های دولتی در عصر قاجار، جستارهای تاریخی، س۸، ش ۱، ص ۷۹ـ ۹۸.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا (۱۳۷۴)، *روزنامه خاطرات عین السلطنه*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶)، *سفرنامه فلاندن به ایران*، ترجمهٔ حسین میرصادقی، [بی‌جا]: نشر کتابخانه اشراقی.
- فوروکاوا، نوبویوشی (۱۳۸۴)، *سفرنامه فوروکاوا*، ترجمهٔ هاشم رجب‌زاده و کینجی ئه‌اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کاشانی، میرزا مهدی‌خان (۱۳۶۱)، سفرنامه مبارکه مظفرالدین شاه به فرنگ، به کوشش علی دهباشی، تهران: کتاب فرزان.
- کسروی، احمد (۱۳۵۶)، *کاروند کسروی (مجموعه ۷۸ رساله و گفتار از کسروی)*، به کوشش یحیی ذکاء، تهران: نشر سهامی کتاب‌های جیبی.
- کمبل، سرجان (۱۳۸۴)، *دو سال آخر (یادداشت‌های روزانه سرجان کمبل نماینده انگلیس در دربار ایران در سلطنت فتحعلی شاه قاجار)*، ترجمهٔ ابراهیم تیموری، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- گاردان، آلفرد دو (۱۳۶۲)، *مأموریت ژنرال گاردان در ایران*، ترجمهٔ عباس اقبال، تهران: نشر نگاه.
- لانگلس، لویی ماتیو (۱۳۸۹)، *ایران فتحعلیشاهی*، ترجمهٔ عبدالمحمد روح‌بخشان، تهران: نشرکتاب روشن.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]

- لردکرزن، جرج ناتایل (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمهٔ وحید مازندرانی، تهران: نشر علمی فرهنگی.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۸)، *شرح زندگانی من*، تهران، زوار.
- مشیری، محمد (۱۳۵۰)، «نشان‌ها و مدال‌های ایران از آغاز سلطنت قاجار تا امروز»، *بررسی‌های تاریخی*، س ۶، ش ۶.
- ملکزاده بیانی، بانو (۱۳۴۹)، «معرفی یک اثر هنری و تاریخی(مدال بهرام سوم ساسانی)»، *بررسی‌های تاریخی*، س ۵، ش ۱.
- ملکم، سرجان (۱۳۸۰)، *تاریخ کامل ایران*، ترجمهٔ اسماعیل حیرت، تهران: نشر افسون.
- ممتحن‌الدوله، مهدی‌بن‌رضاقلی (۱۳۵۳)، *خاطرات ممتحن‌الدوله* (زندگی‌نامه میرزا مهدی‌خان ممتحن‌الدوله شقاقی)، به کوشش حسینقلی خانشقاقی، تهران: امیرکبیر.
- موریه، جیمز (۱۳۸۶)، *سفرنامه (گزارش هیئت اعزامی به ایران)*، ترجمهٔ ابوالقاسم سری، تهران: امیرکبیر.
- ناصرالدین شاه (۱۳۷۱)، *سفرنامه سفر سوم به فرنگ (کتاب دهم)*، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی و فاطمه قاضی‌ها، تهران: انتشارات سازمان اسناد.
- *نسخه خطی نشان‌های دولت علیه ایران*، کتابخانه ملی ایران و مرکز اسناد، شماره بازیابی: ۵/۱۲۶۱۴
- *نشان‌های اهدایی دولت دلیر*، کاخ گلستان، شماره بازیابی ۳۹.
- *نشانهای دولت علیه ایران*، مرکز اسناد و کتابخانه ملی، شماره بازیابی: ۷۱۹۵ ۶-: ث.۷۵۷۸
- نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی (۱۳۶۲)، *خاطرات و اسناد نظام‌السلطنه مافی*، به کوشش معصومه مافی و دیگران، تهران: نشر تاریخ ایران.
- نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطبا) (۱۳۵۵)، *فرهنگ نفیسی*، با مقدمه محمدعلی فروغی، تهران: کتابفروشی خیام.
- نوزاد، فریدون (۱۳۷۷)، «خلعت و خلعت‌پوشان»، *فرهنگ گیلان*، س ۱، ش ۱.
- هاردینگ، آرتور (۱۳۸۷)، *خاطرات سرآرتور هاردینگ*، ترجمهٔ جواد شیخ‌الاسلامی، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- هینتس، والتر (۱۳۸۷)، *داریوش و ایرانیان*، ترجمهٔ پرویز رجبی، تهران، نشر ماهی.
- Edhem, Eldem (2004), *Iftihar ve Imtiyaz* (Osmanli Nisan ve Madalyalari Tarihi), Estambul: Baski Eylul.
- Mahmut Yeniden, I. (2010), *Yapılanma Sürecinde,* Dr.Coşkun Yılmaz, Avrupa Kültür Başkenti. İstanbul.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.2.7]